

تأثیرات موسیقی بر کودکان

موسیقی تأثیر گذار است و همه ی عالم از انسان و حیوان و جماد و نبات از تموجات موسیقایی متأثرند. اما در این مقاله به تأثیرات موسیقی بر کودکان به اختصار اشاره می کنیم. به طور کلی تأثیرات موسیقی بر انسان دو گونه است تأثیراتی که روح انسان می پذیرد و تأثیراتی که جسم انسان می پذیرد که می توان آن را به تأثیرات روحانی و تأثیرات جسمانی تقسیم نمود.

بارها کودکانی را دیده ایم که با چنان شور و شعفی سرود یا ترانه ای را می خوانند که می توان در حرکات چهره به اوج لذت کودکانه ای رسید که روح آنان را به اهتزاز آورده است و یا دیده ایم کودکانی را که در کنار هم ساده و صمیمی نشستند و با هم نوازی ساده ای به یک لذت حقیقی رسیده اند، این لذت و شوق همان تأثیرات معنوی هنر موسیقی بر کودکان است. از جمله تأثیرات جسمانی موسیقی تقویت قوای حرکتی کودکان می باشد. مجموعه فعالیت های کودک در هنگام نوازندگی و یا آواز خواندن، باعث تقویت حرکت دست ها، حرکت چشم، عضلات گفتاری و ... می شود. هرچند که به طور اخص آواز خواندن باعث افزایش گنجینه لغات و تقویت تکلم کودکان نیز می گردد. یک کودک در هنگام نوازندگی در یک زمان چند عملیات ذهنی را می بایست انجام دهد مثلاً ببیند، بشنود، تشخیص دهد، اجرا کند، و در نهایت دوباره بشنود و قیاس کند، یعنی علائم موسیقی را ببیند و یا ملودی را بشنود، نوع فرمان و یا حالت آن را تشخیص دهد، و آن را اجرا کند، صورت اجرا شده را بشنود، شنیده را با هر آنچه از آهنگ در ذهن دارد یا در علائم آن می بیند مقایسه کند، به درستیکه موسیقی چقدر در ورزیده کردن ذهن کودک موثر است. همچنین وقتی کودک بتواند یک نغمه ساده را اجرا کند با اجرای یک آهنگ ساده در حقیقت نوعی از توانایی خود را به ظهور رسانده است یا به اصطلاح، ((خودی نشان داده است)). اگر با ارائه توانایی خویش مورد تشویق هم قرار بگیرد چه اندازه در پرورش شخصیت کودک در برابر اجتماع و تقویت اعتماد به نفس او موثر است. همین که کودک با اجرای یک آهنگ هرچند ساده خود را در دنیای موسیقی ببیند به یک خودباوری می رسد و تجربه می کند که میتواند فردی توانا در جامعه خویش باشد. آنچه گفته شد اشاره ای گذرا بود از تأثیراتی که موسیقی می تواند بر روح و جسم کودک بگذارد.

آموزش موسیقی به کودکان

آموزش موسیقی به کودک می تواند از سنین بارداری و نوزادی آغاز شود. اولین آموزش برای کودک از راه شنیدن موسیقی و انجام حرکات ساده است. از مهم ترین فعالیت ها در آموزش موسیقی به کودک در سال های بعد آواز خواندن است کودک می تواند آوازهای ساده را یاد بگیرد و بخواند، هم چنین در سنین بالاتر کودک می تواند نوازندگی ساده را نیز تجربه کند. در نهایت آموزش موسیقی به کودک به ترتیب در ۴ گروه فعالیت خلاصه می شود: شنیدن، رقصیدن، خواندن، نواختن.

لازم به ذکر است همه کودکان به طور فطری توانایی و استعداد کافی برای فراگیری موسیقی تا حد کاملاً پیشرفته را ندارند، هم چنین در یک فرایند آموزشی سرعت یادگیری افراد مختلف متفاوت است ولی همه کودکان از با استعدادترین تا کم استعدادترین می توانند با موسیقی آشنا شوند و در حد توان خود برای تاثیرپذیری از موسیقی و درک لذت و کشف استعداد های نهفته خویش قدری موسیقی را یاد بگیرند. حال اینکه قدری موسیقی در یک جامعه چه مقدار است باید عواملی هم چون شرایط فرهنگی، نوع موسیقی، شرایط اقتصادی، شرایط اجتماعی، گرایش ها، متدهای آموزشی، سیستم آموزشی و استعداد عمومی افراد آن جامعه مورد مطالعه و بررسی قرار داد. آنچه مسلم است برای آموزش همگانی موسیقی باید به دنبال روش های بسیار ساده و جذاب بود، در این میان نوع سازی که به منظور آموزش عمومی موسیقی در نظر گرفته می شود بسیار مهم است. با توجه به این که اجرای موسیقی با همه سازها امکان پذیر است ولی، هدف ما آموزش آسان موسیقی می باشد و استفاده از روش های دشوار برای کودکان با هدف " قدری موسیقی برای هر کودک " هم جهت نمی باشد. در حال حاضر سازهای کوبه ای ملودیک و ریتمیک مناسب ترین سازها برای استفاده در سیستم آموزشی موسیقی کودکان است به طوری که کودکان در مدت زمان بسیار کوتاهی با نوازندگی به صورت ساده آشنا می شوند و حتی توانایی گروه نوازی و خواندن و نواختن هم زمان را نیز پیدا می کنند.

هدف از آموزش موسیقی به کودکان

به راستی هدف از آموزش موسیقی به کودکان چیست؟

در سرزمین ما ایران سال هاست نوعی از آموزش موسیقی به کودکان رایج شده است که درست یا نادرست آن را کلاس آرف می نامند که البته هدف کلی این کلاس ها، در لا به لای برداشت ها و دیدگاه های مربیان، و توقعات و انتظارات والدین مخدوش شده است و نبود یک متولی متخصص یا سیستم آموزشی متمرکز و هم چنین برداشت های نادرست برخی از والدین و مربیان بر این امر دامن زده است. سال هاست با نگرانی های والدینی مواجه ایم که می گویند:

آیا فرزندمان استعداد موسیقی دارد؟ در موسیقی به جایی می رسد؟

اگر استعداد ندارد او را به کلاس موسیقی نیاوریم؟ پس چه وقت آهنگ یاد می گیرد؟

آخر در موسیقی به کجا می رسد؟

و یا این که فرزند ما کم تمرین می کند و فکر می کنیم علاقه ای به موسیقی ندارد و گاه با اصرار و اجبار ماکمی تمرین موسیقی می کند.

این ها مبین تصویری نادرست از موسیقی کودکان در ذهن والدین است، که باعث می شود مربی و کودک برای برآورده کردن انتظارات والدین در تنگنا قرار گیرند و مانع شود که آن ها در فضایی آزاد و مفرح با



موسیقی مانوس شوند و از تجربه آن لذت ببرند. حال اگر در این میان مربی کلاس هم دیدگاه صحیحی نسبت به اهداف کلاس موسیقی کودکان نداشته باشد به قول کارل آرف که می گوید کودکان در موسیقی بی پناهند چه بر سر آموزش موسیقی کودکان می آید خدا می داند، علی الخصوص کودکان با استعداد های موسیقی متوسط و ضعیف و کودکان کم پشتکار که بیش از سایر کودکان لطمه می بینند. سالانه تعداد زیادی از کودکان به کلاس های موسیقی روی می آورند که به علت کم اطلاعی برخی از والدین و مربیان از اهداف موسیقی کودکان، برای همیشه از تجربه موسیقی هر چند اندک، دل زده شده و سرباز می زنند.

آموزش موسیقی از جمله فعالیت هایی است که در رشد و پرورش همه جانبه کودک از قبیل: رشد جسمی و حرکتی، رشد شناختی، رشد گفتاری، رشد اجتماعی-عاطفی، رشد خلاقیت نقش ایفا می کند. در واقع باید گفت اهداف فعالیت های کلاس موسیقی کودکان باید در راستای رشد و پرورش همه جانبه ی کودکان قرار گیرد و برای رسیدن به این مهم، مربی و والدین باید مطلع و با برنامه باشند و برای تحقق اهداف آموزشی و پرورشی کلاس موسیقی، به جای خواسته هایشان، واقعیت های هر کودک را در نظر آورند. حال مختصراً به رابطه برخی از فعالیت ها و مفاهیم موسیقی با جنبه های رشد و پرورش کودک می پردازیم.

رشد جسمی و حرکتی:

تقویت قوای حرکتی با انجام فعالیت حرکتی و ریتمیک موسیقی - تقویت حرکتی عضلات و هماهنگی بین آن ها در فرایند نواختن سازها - هماهنگی چشم و دست- هماهنگی ریتم بدن و

رشد ذهنی و شناختی:

تجربه موسیقی - کشف و بروز استعداد موسیقی - کشف ارتباط بین اصوات مختلف در موسیقی- درک زمان و نظم در فرایند ریتم موسیقی - تقویت حافظه - خلق ریتم ها و ملودی ها در فعالیت های خلاقه ی کلاس- درک زیبایی در هنر موسیقی - پرورش خلاقیت و درک زیبایی ها و

رشد زبان و گفتار:

تقویت تکلم در فرایند سرود خوانی و سلفژ نت ها - افزایش گنجینه لغات در فرایند سرود خوانی - افزایش قدرت و درک شنوایی در تمیز دادن صداها و

رشد اجتماعی:

تجربه هماهنگی در همنازی و سازگاری با شرایط موجود و مسئولیت پذیری خصوصاً در تمرین های گروهی موسیقی - تجربه در برابر جمع بودن و تقویت اعتماد به نفس در اجرای موسیقی - تلاشگری و

رشد عاطفی:

تقویت قوای عاطفی - تخلیه و تسکین روحی روانی - درک لذت و ایجاد سرور - و ... تاثیرات متعدد دیگری که در باروری جسم و جان کودک نقش دارد. برخی هدف از آموزش موسیقی به کودکان را صرفاً آموزش هنر موسیقی می دانند و به جوانب دیگر اعتقادی ندارند، کشف استعداد موسیقی و یا فراگیری موسیقی تنها بخشی از اهداف آموزش موسیقی به کودکان است و همه هدف آن نیست. و یا بعضی نتیجه کلاس را کمی بررسی می کنند. انتظار دارند مربی هر جلسه حجمی از درس های تازه را به کودکشان دیکته کند و تکرار درس ها به منظور تحکیم آموزش به مذاقشان خوش نمی آید و یا بازی ها و فعالیت های هدفمند کلاس به نظرشان کارهایی عبث و وقت تلف کن می آید و به جای تشویق مربی به خاطر ایجاد محیطی شاد و خلاق، اینگونه تلاش های مربیان را ارج نهاده و گاه انتقاد هم میکنند و او را از ادامه ی این روند مأیوس می سازند و در بسیاری از موارد مربی به سمتی می رود که بسیاری از والدین می خواهند یعنی هر جلسه یک آهنگ، و تحقق دیگر هدف ها خصوصاً پرورش خلاقیت که در فعالیت هایی غیر از تدریس آهنگ محقق می شود فدای خواسته های سلیقه ای و غیر فنی والدین و گاهی هم مربیان می شود.

هرچند که مجموعه ی هنر ها تربیت گر هستند ولی به راستی که موسیقی یکی از زیباترین و متعالی ترین ابزارها برای تربیت همه جانبه کودک است. اگر ما فارق از پنج جنبه ی رشد در سه عنصر وجودی انسان یعنی روح، عقل، و جسم تأمل کنیم به سه قسم تربیت خواهیم رسید تربیت روح، تربیت عقل و تربیت جسم سزاوار است که بگوییم نوای موسیقی روح را متعالی می سازد، علم موسیقی عقل را زینت می بخشد و ابزار موسیقی جسم را به سماء می آورد.

دوستی می گفت شما در کلاس های موسیقی کودکان چه چیزهایی به بچه ها یاد می دهید. در پاسخ باید گفت: ما همه موسیقی را با کودکان مرور می کنیم اما نه آن گونه که تصور می کنید و یا توقع دارید و انتظارش را می کشید. در کلاس موسیقی کودکان، هر آنچه از قاعده و احساس در موسیقی وجود دارد، با کودکان تجربه می شود. این تجارب در قالب بازی، مسابقه، جست و خیز، حرکات ریتمیک، نوازندگی و آوازخوانی و فعالیت های جذاب دیگر برای کودکان به دست می آید. آموزش برای کودک همان بازی است که با آن همه مفاهیم را تجربه می کند، یعنی کودک هر آنچه در دنیای موسیقی وجود دارد را با فعالیت ها و بازی های مناسب حال خود تجربه می کنند و در عمل موسیقی را می فهمد.

با توجه به این که آموزش موسیقی علاوه بر ایجاد مهارت های موسیقی، به عنوان یک ابزار زیبا و متعالی در رشد و پرورش همه جانبه ی کودک نیز بسیار موثر است، هدف از آموزش موسیقی به کودکان می تواند اینگونه باشد:

تجربه و درک لذت موسیقی توسط کودک در راستای رشد و پرورش همه جانبه،

سخنی با والدین

شنیدن موسیقی برای همه انسان ها لذت بخش است حال اگر انسان در اجرای موسیقی سهمی داشته باشد لذت آن دوچندان است. از این میان کودکان واکنش های جالبی نسبت به موسیقی نشان می دهند و تاثیرات شدیدی را می پذیرند که معمولاً افراد بزرگسال را حیران می کنند. اجرای موسیقی برای کودکان فعالیتی بسیار جذاب است و کودک از نواختن ساز لذت می برد.

نوازندگی کودکان، هرچند به صورت ساده است ولی باز هم احتیاج به تمرین و ممارست دارد و باید در منزل شرایط مناسبی برای تمرین کودک وجود داشته باشد. بهتر است تمرین روزانه کودک در زمان کم و دفعات متعدد انجام شود بطور مثال در هر روز ۳ الی ۴ بار تمرین مناسب است، اگر کودکی تمایل دارد بیش از این زمان تمرین کند، بیانگر عشق و علاقه وی به موسیقی می باشد و باید تشویق شود اما اگر کودکی زمانی کمتر از زمان های معین شده صرف تمرین می کند نباید آنرا مورد انتقاد قرار داد یا با اجبار او را به تمرین واداشت چون کودک از موسیقی متنفر می شود و از ادامه آن سرباز می زند. مفیدترین تمرین زمانی است که کودک خودش از سر نیاز و علاقه به سراغ سازش برود و آن را بردارد و تمرین کند که والدین در ایجاد این حالت نقش کلیدی دارند هر آنچه که نقش معلم نیز کم اهمیت نیست. برخی از والدین گمان می کنند فقط با گوشزدهای مکرر و ایجاد شرایط اجبار می توانند کودک خود را ترغیب به انجام تمرین کنند در صورتی که این شاید آخرین راه باشد یا حتی می تواند از دستور کار والدین حذف شود. زیرا به کاربردن اجبار بیش از حد در انجام تکالیف توسط کودکان، نتیجه عکس خواهد داد، البته منظور ما این نیست که والدین هیچ گونه مدیریت در خصوص فرزندان خود نداشته باشند و آنان را به حال خود رها کنند، بلکه بهتر است به کودکان خود کمک کنیم برنامه ریزی کنند و به برنامه ریزی شخصی خودشان احترام بگذارند و طبق آن عمل کنند، هم چنین والدین باید از تمرینات و نحوه انجام آن توسط کودک پیگیری به عمل آورند و در فضایی صمیمی از او گزارش تمریناتش را دریافت کنند. گاهی باید بچه ها را به خاطر تلاشی که می کنند تشویق کرد نه به خاطر مقدار پیشرفتی که حاصل شده است، تلاش کودک حتی در صورت عدم پیشرفت هم باید مورد تشویق قرار گیرد. گاهی کودک تمایل دارد در هنگام تمرین موسیقی یکی از بزرگ تر های خانه در کنار او بنشیند و به نوازندگی او گوش فرا دهد. خوب است والدین به این خواسته تا حد امکان توجه داشته باشند زیرا موجب تشویق کودک می شود. استفاده از روش هایی مانند:

الف) اهمیت دادن به هنر کودک خویش

ب) درخواست والدین از کودک برای یاد دادن موسیقی به آنان

ج) تشویق و ایجاد انگیزه از طریق:

جایزه مناسب، بردن کودک به کنسرت های موسیقی مناسب، ملاقات دوستان هنرمند و آشنا با موسیقی، ایجاد موقعیت های مناسبی که کودک بتواند آهنگ هایش را برای دیگران اجرا کند و تشویق شود، رفتن به فروشگاه های آلات موسیقی و آلبوم های موسیقی، تشویق در هنگام مشاهده حداقل پیشرفت و داشتن جدول تمرین روزانه که با مشارکت کودک برنامه ریزی شده باشد و دیگر روش های ابتکاری والدین.

والدین می بایست پس از هر جلسه کلاس موسیقی، از کودک بخواهند مختصری در خصوص فعالیت های کلاس برای آن ها توضیح دهد، البته والدین می توانند برای اطلاع از آن چه می خواهند سوالاتی را طرح کنند تا کودک گزارش آن روز را در قالب پاسخ بیان کند. مربی کلاس نیز می بایست کودک را تشویق کند که در منزل درس های کلاس را برای والدین توضیح دهند.

کودک این حق را دارد تا زمان هایی را در منزل یا در اتومبیل به موسیقی مخصوص خود گوش فرادهد لطفاً نهایت همکاری را با کودک خویش بفرمایید، کودک شما می تواند با موسیقی مناسب خود به خواب رود، بیدار شود، بازی کند، نقاشی کند، و ... البته حجم صدای موسیقی در حال پخش بسیار مهم است و نباید حجم موسیقی آن قدر کم باشد که شنیده نشود یا آن قدر زیاد که همه بوجود آورد، هر شرایطی حجم صوتی خاص خود را می طلبد که والدین به تجربه آن را خواهند یافت. به خاطر داشته باشیم همه افراد جامعه با موسیقی کودکان آشنا نیستند در نتیجه وقتی کودکان در موقعیت پیش آمده ای قطعاً می نوازند و یا ترانه ای را می خوانند باید مراقب واکنش های مخاطبین بود چه بسا برخورد نا آگاهانه یک مخاطب خصوصاً افراد بزرگسال ممکن است اعتماد به نفس و اقتدار کودک را تضعیف کند.

در هنگام کار با کودک از بکار بردن کلمات یا عباراتی که باعث کاهش اعتماد به نفس و یا علاقه کودک شود پرهیز کنید و با حوصله و صبر اوقات را با فرزند خود سپری کنید. علایق کودکان یکی از حربه هایی است که مربیان و یا والدین از آن استفاده می کنند مثلاً می گویند: "تا تکالیف را انجام ندهی از رفتن به پارک خبری نیست." ولی این تهدید انجام تمرینات موسیقی را برای کودکان تبدیل به یک کار طاقت فرسا می کند بهتر است بگوییم "بعد از انجام تکالیف به پارک خواهیم رفت."

وقتی کودک ابراز می کند که من نمی خواهم تمرین کنم حوصله ندارم و یا این که سخت است نباید بر آشفته شویم و او را مجبور به تمرین کنیم بلکه باید بگوییم سازت را بیاور ببینم چه مشکلی داری شاید کاری نتوانید انجام دهید ولی همین قدر که به مشکل او اهمیت داده اید خود یک عامل تشویق است شاید این کار شما باعث شود کودک مشغول به تمرین شود.

با سپاس فراوان